

تأثیر تثبیت مالی بر رشد اقتصادی: مرور سیستماتیک و متاآنالیز^۱

نوع مقاله: پژوهشی

وحید شهابی نژاد^۲

علی نصیری اقدام^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۸

چکیده

بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، بدلیل بدهی بالای کشورهای درگیر رکود، سیاست های تثبیت مالی در مرکز توجه ها قرار گرفت. اما در ادبیات اقتصاد کلان و مطالعات تجربی، اجماع نظری در خصوص آثار اقدامات تثبیتی وجود نداشته و عده ای قائل به آثار کینزی، و عده ای دیگر قائل به آثار غیرکینزی تثبیت های مالی می باشند. پژوهش حاضر در همین راستا و به منظور بررسی دقیق رابطه تثبیت مالی و رشد اقتصادی تدوین شده است. روش پژوهش مورد نظر مرور مرور سیستماتیک و فراتحلیل، و بازه زمانی پژوهش، ۱۴۰۲-۱۳۳۹ می باشد. بر این اساس در مرحله اول ۱۴۰۲ مطالعه از پایگاه معتبر اسکوپوس با استفاده از کلیدواژه های تثبیت مالی و رشد اقتصادی دریافت و سپس مطابق با قواعد روش فراتحلیل، با تأکید بر مقالات علمی منتشر شده در مجله های معتبر، تنها ۲۲ مطالعه واجد شرایط نهایی انتخاب شد. نتایج حاصل از ترکیب اندازه اثر در مطالعات مختلف ۰/۰۲۳ می باشد، ولی به لحاظ آماری معنادار نیست. دلالت این یافته عدم مشاهده رابطه ای معنادار میان سیاست های تثبیت مالی و رشد اقتصادی است.

واژه های کلیدی: رشد اقتصادی، تثبیت مالی، مرور سیستماتیک، فراتحلیل.

طبقه بندی JEL: N00, E63

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران است.

^۲ دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول) v.shahabinejad@uk.ac.ir

alin110@atu.ac.ir

^۳ دانشیار اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی تهران

مقدمه

بکارگیری سیاست‌های مالی ضد ادواری در اقتصاد کلان قدمت زیادی دارد. سیاست‌گذاران از این سیاست‌ها برای تثبیت اقتصادی و قراردادن اقتصاد در مسیر رشد بلندمدت استفاده می‌کنند. تجربه بحران مالی ۲۰۰۸ قدری این موضوع را پیچیده کرد. چرا که کشورهای درگیر رکود با بحران بدهی‌های بالا نیز مواجه بودند. طبیعی است در چنین شرایطی بکارگیری هرگونه سیاست مالی انبساطی ثبات مالی را برهم زده و منجر به عمیق‌تر شدن بحران مالی می‌شود. بنابراین تثبیت مالی دولت‌ها در چنین مواقعی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در خصوص رابطه تثبیت مالی و رشد اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای همچون جیاوازی و پاگانو^۱ (۱۹۹۰)، برتولا و درازن^۲ (۱۹۹۳)، آلسینا و پروتی^۳ (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷)، وایز و همکاران (۲۰۱۸)، آلسینا و همکاران (۲۰۱۹)، قائل به آثار غیرکینزی، و عده‌ای نظیر وون هاگن^۵ و همکاران (۲۰۰۱)، همینگ و همکاران^۶ (۲۰۰۲)، جودیسی^۷ و همکاران (۲۰۰۳)، فاتاس و سامرز^۸ (۲۰۱۸)، آفونسو و لیل^۹ (۲۰۲۲)، جورجیس^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۳)، والدو و کانو^{۱۱} (۲۰۲۳) قائل به آثار کینزی تثبیت‌های مالی می‌باشند.

به طور کلی، هم در عرصه نظریه و هم مطالعات تجربی، اثر تثبیت‌های مالی بر رشد اقتصادی نامعلوم است و می‌توان گفت که هیچ اجماع نظری در خصوص آثار کینزی یا غیرکینزی سیاست‌های تثبیت مالی وجود ندارد. به عبارتی انبساطی یا انقباضی بودن تثبیت‌های مالی محل شک و تردید فراوان می‌باشد. از اینرو، هدف اصلی این مطالعه، بررسی ارتباط تثبیت مالی و رشد اقتصادی در چارچوبی متفاوت از پژوهش‌های قبلی می‌باشد. این چارچوب از نوع مرور سیستماتیک می‌باشد و با انجام یک فراتحلیل ساده به انبساطی یا انقباضی بودن تثبیت مالی می‌پردازد.

^۱ Giavazzi & Pagano

^۲ Bertola & Drazen

^۳ Alesina & Perotti

^۴ Wiese

^۵ von Hagen

^۶ Hemming

^۷ Giudice

^۸ Fatás & Summers

^۹ Leal

^{۱۰} Georgios

^{۱۱} Woldu and Kano

روش فرا تحلیل به مرور نظام‌مند منابع و مدارک علمی می‌پردازد که قبلاً در مورد یک موضوع انجام شده است. فرا تحلیل از معتبرترین روش‌های تحقیق در حوزه پزشکی مبتنی بر شواهد است (سایه‌میری و همکاران، ۱۳۹۹) و در اقتصاد و علوم اجتماعی نیز کاربرد زیادی دارد. سایه‌میری و همکاران (۱۳۹۹)، ارشدی و همکاران (۱۴۰۰)، شیرمهنجی و همکاران (۱۴۰۰)، از جمله مطالعاتی است که با روش فرا تحلیل صورت گرفته است.

برای این هدف در بخش‌های دوم و سوم به ترتیب ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق بیان خواهد شد و سپس، در بخش چهارم روش‌شناسی تحقیق و نحوه استخراج مطالعات برای فرا تحلیل تشریح خواهد شد. در بخش پنجم یافته‌های پژوهش توصیف و تحلیل می‌شود و در پایان نیز به جمع‌بندی و ارائه نتایج پرداخته خواهد شد.

۱- ادبیات موضوع

بسیاری از اقتصاددانان چگونگی تأمین منابع مالی در سیاست‌گذاری‌های مالی را مهمترین اشکال آن می‌دانند و عنوان می‌کنند که افزودن بر مالیات‌ها به مخدوش شدن انگیزه‌های اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش اشتغال و رشد اقتصادی می‌انجامد (اسپیراکیس و کاتسیاس، ۲۰۲۱). با این حال در بحران مالی ۲۰۰۸ که از آمریکا شروع شد و به رکود منجر شد این‌گونه سیاست‌ها وجود داشته و گاهی بسته‌های سیاستی جهت خروج از رکود به کمک اقتصاد آمده است (فرناندو کاروالو، ۲۰۱۷). البته وجه تمایز این رکود با سایر رکودها این بود که اکثر کشورهای متأثر از این بحران با بدهی بالا نیز مواجه بودند و مسأله فقط ناظر بر خروج از رکود نبود و کاهش یا جلوگیری از افزایش بدهی دولت‌ها نیز مورد نظر بود.

این رویکرد دولت‌ها در مواجهه با رکود، مشابه «ریاضت اقتصادی»^۱ در کشورهای یونان، پرتغال و ایرلند بود و به وضعیتی اطلاق می‌شود، که دولت‌ها در مواجهه با رکود، تلاش می‌کنند با کاهش کسری بودجه بدهی‌های خود را کاهش داده، درآمدهای خود را افزایش دهند، و به این طریق اعتماد مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران را افزایش داده، رونق را به اقتصاد برگردانند (فرناندو کاروالو، ۲۰۱۷). ریاضت اقتصادی در واقع همان تثبیت اقتصادی بود که برای تعدیل مجدد بدهی‌های

^۱ Spyarakis & Kotsios

^۲ Fernando de Carvalho

^۳ Economic austerity

عمومی و کاهش کسری‌های بودجه به کار گرفته می‌شد (فراجتا و تامبورینی، ۲۰۱۹). ادبیات ریاضت اقتصادی بعد از بحران ۲۰۰۸، بیشتر نقل محافل اقتصادی شد. پیش از آن، ادبیات نزدیک‌تر به ریاضت اقتصادی، تثبیت‌ها یا تعدیلات مالی بود که انقباضی یا انبساطی بودن آنها محل اختلاف نظر شدید اقتصاددانان بود. تثبیت مالی انبساطی^۲ را به فلداستاین^۳ (۱۹۸۲) نسبت می‌دهند که استدلال می‌کرد، اگر کاهش دائمی مخارج دولت به عنوان نشانه‌ای از کاهش مالیات در آینده در نظر گرفته شود، انتظارات درآمد دائمی بیشتر می‌شود. همچنین او استدلال می‌کرد که اگر یک تثبیت مالی معتبر توسط دولت‌ها دنبال شود، ممکن است به دنبال ایجاد یک ثروت القایی افزایش مصرف خصوصی را به دنبال داشته باشد. او ادعا می‌کرد نیازمندی‌های استقراضی کمتر دولت، ریسک حق بیمه بدهی‌های دولت را کاهش و نرخ بهره واقعی را کم می‌کند و امکان برونرانی^۴ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را فراهم می‌کند. به لحاظ مکتبی نیز این اختلاف نظرها در مورد اثرگذاری تثبیت‌های مالی جدی می‌باشد، اقتصاد کینزی پیش‌بینی می‌کند که کاهش در هزینه‌های دولت یا افزایش مالیات به طور مستقیم تقاضا و درآمد کل را کاهش می‌دهد که منجر به آثار تکاثری منفی بر تولید در کوتاه‌مدت می‌شود. در نتیجه، نسبت بدهی دولت به تولید ممکن است اصلاً کاهش پیدا نکند، زیرا هر دوی تولید و درآمد مالیاتی به دلیل تأثیرات انقباضی تعدیل مالی کاهش می‌یابد (سیدمن^۵، ۲۰۰۱؛ سیدمن و لوئیس^۶، ۲۰۰۳، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱). در مقابل، اقتصاد نئوکلاسیک پیش‌بینی می‌کند که تعدیلات مالی می‌تواند با افزایش مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری از طریق چندین مکانیزم انتقال حتی در کوتاه مدت، اقتصاد را تحریک کند (آفونسو^۷، ۲۰۰۵). در جدول (۱)، تعدادی از دلایل موافقان و مخالفان تثبیت‌های مالی به اختصار آورده شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از دلایل موافقان و مخالفان تثبیت‌های مالی

موافقان (نئوکلاسیک‌ها)	مخالفان (کینزی‌ها)
۱- عدم کاهش کسری‌ها منجر به بازدهی بالای اوراق	۱- در رکودهای شدید، تحریک تقاضای کل مهم‌تر از

^۱ Fragetta & Tamborini

^۲ expansionary fiscal consolidation

^۳ Feldstein

^۴ crowding-in

^۵ Seidman

^۶ Lewis

^۷ Afonso

کاهش بدهی دولت است، این پیام اساسی و عملی کینز است. ۲- رکود زمان مناسبی برای اقدامات تثبیتی نیست، در دورانی که رشد اقتصادی مناسبی وجود دارد و اقتصاد دوران رونق را طی می‌کند بایستی به فکر کاهش بدهی‌های دولت بود. ۳- در رکود و شرایط دام نقدینگی پس انداز بخش خصوصی افزایش یافته و تقاضا برای اوراق قرضه بالاست، علیرغم افزایش کسری در آمریکا و انگلیس بازدهی اوراق قرضه کاهشی بوده و نگرانی بابت بالارفتن بازدهی اوراق بیخود است. ۴- در رکود، بخش خصوصی به دلیل بازپرداخت بدهی خود سرمایه‌گذاری و مصرف را کاهش می‌دهد و خود به خود تقاضا پایین است. در صورت کاهش هزینه‌های دولت رکود تشدید خواهد شد. ۵- شواهدی وجود ندارد که نشان دهد کاهش هزینه‌ها باعث افزایش اعتماد شود. در بریتانیا، پس از روی کار آمدن ائتلاف، اعتماد فرو ریخت و منجر به رکود مجدد شد.	قرضه و افزایش هزینه تأمین کسری و نیز اختلال در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. ۲- کاهش کسری، کاهش اثرات جایگزینی و تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به دنبال دارد. ۳- تصمیمات اقتصادی فعلی مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران، کارگران و پس‌اندازها به آینده بستگی دارد. در اقتصاد کلان مدرن تصمیمات مردم درباره امروز تحت تأثیر انتظارات آنها از آینده خواهد بود. ۴- اثرات سیاست‌های مالی محدود به سمت تقاضای اقتصاد نیست بلکه از طرف عرضه تأثیر می‌گذارد. ۵- بطور معمول اقدامات تثبیتی چند وجهی‌اند. سیاست‌های دیگری نظیر اصلاحات مالیاتی، اقداماتی برای مقابله با فرار مالیاتی، اصلاحات در تأمین اجتماعی و اصلاحات در بازار کار یا کالاها باشد. ۶- سیاست‌های مالی انگیزه‌های کارگران و بنگاه‌ها را تغییر می‌دهد، بنابراین بر مالیات کار که انگیزه کار را کاهش می‌دهد تأثیر می‌گذارد.
--	--

منبع: آل‌سینا و همکاران (۲۰۱۹) و یافته‌های مقاله

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱. مطالعات خارجی

آثار غیرکینزی تثبیت‌های مالی با مطالعه جیاوازی و پاگانو (۱۹۹۰) در خصوص کشورهای دانمارک و ایرلند در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. آنها در مطالعه خود با عنوان «آیا تثبیت مالی شدید می‌تواند انبساطی باشد؟» به این نتیجه رسیدند، که تعدیل مالی بزرگ و قاطع می‌تواند مصرف خصوصی را افزایش دهد. پس از این مطالعه یک ادبیات تجربی گسترده برای یافتن شواهدی از تثبیت مالی انبساطی (اثرات غیرکینزی) شکل گرفت. در ادامه به تعدادی از این مطالعات اشاره می‌شود.

آرداینا (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تثبیت‌های مالی: چه زمانی کار می‌کنند و چرا؟»، با استفاده از رهیافت معادلات همزمان عوامل و کانال‌هایی را که از طریق آنها تثبیت مالی بر رشد

کشورهای OECD تأثیر می‌گذارد، مطالعه می‌کند. او در این مطالعه که برای دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۹۰ صورت گرفته است، نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیر بودن تثبیت مالی عمدتاً به ترکیب سیاست‌های مالی بستگی دارد و کاهش هزینه‌ها می‌تواند در مقابل انتظارات کارگزاران منجر به رشد نرخ‌های بالاتر، از طریق بازار کار شود.

آفونسو و همکاران (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تثبیت‌های مالی در مرکز و شرق اروپا»، با مدل‌های لاجیت به ارزیابی تثبیت‌های مالی پرداخته‌اند. آنها در این مطالعه که برای دوره زمانی ۱۹۹۱-۲۰۰۳ صورت گرفته است نتیجه می‌گیرند که تثبیت‌های مبتنی بر کاهش؟ هزینه خیلی موفق‌تر بوده است. این در حالیست که تثبیت‌های مبتنی بر افزایش؟ درآمد موفقیت کمتری داشته است.

جودیس و همکاران (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای با عنوان «تثبیت مالی غیرکینزی در اتحادیه اروپا»، با استفاده از مدل QUEST به مطالعه آثار غیرکینزی تثبیت‌های مالی پرداخته‌اند. آنها در این مطالعه، که برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۰ صورت گرفته است، نتیجه می‌گیرند که تثبیت مالی بر اساس کاهش هزینه‌ها در دوره‌هایی که تولید کمتر از تولید بالقوه است، باعث رشد اقتصادی می‌شود.

در مطالعه‌ای دیگر با عنوان، تثبیت بودجه و رشد اقتصادی در آمریکا، بورجر^۱ و زگلر^۲ (۲۰۰۸)، رابطه بین رشد اقتصادی ایالات متحده و تعدیلات مالی در دهه ۱۹۹۰ را تحلیل کرده‌اند. مطالعه آنها با استفاده از روش VAR برای دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۷۰ صورت گرفته است. آنها در پایان نتیجه می‌گیرند که اثرات غیرکینزی به دو دلیل غالب است، افزایش مصرف به دلیل بهبود اعتماد مصرف‌کننده و نیز افزایش سرمایه‌گذاری از طریق بازار کار و بازار مالی.

آفونسو (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای با عنوان "تثبیت‌های مالی در اروپا، شواهد جدید" تثبیت مالی انبساطی را در کشورهای اروپایی ارزیابی کرده است. این مطالعه با استفاده از روش سری‌های زمانی و در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۷۰ صورت گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تثبیت‌های مالی دارای اثرات انبساطی طولانی‌مدت هستند، اما در کوتاه‌مدت هیچ تأثیر قابل توجهی ندارند. فاتاس و سامرز (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای با عنوان، اثرات دائمی تثبیت‌های مالی، به بررسی تثبیت مالی در کشورهای اروپایی پرداخته‌اند. در این مطالعه که با استفاده از مدل‌های بلانچارد^۳ (۲۰۱۳) و نیز VAR، برای دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۹ صورت گرفته است، نویسندگان نتیجه می‌گیرند که

^۱ Burger

^۲ Zagler

^۳ Blanchard

تلاش برای کاهش بدهی از طریق تثبیت مالی به احتمال زیاد منجر به افزایش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی، از کانال اثرات منفی تولید، در بلندمدت می‌شود.

آفونسو و لیل^۱ (۲۰۲۲)، در مطالعه دیگری با عنوان، دوره‌های مالی در اتحادیه اقتصادی و پولی: کشش‌ها و اثرات غیرکینزی، به بررسی کشش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مصرف خصوصی پرداخته‌اند. این مطالعه برای ۱۹ کشور منطقه یورو و در دوره ۲۰۱۷-۱۹۶۰ انجام شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، مصرف‌کنندگان رفتار ریکاردویی داشته و افزایش مالیات را به عنوان نشانه‌ای از هزینه آتی دولت در نظر می‌گیرند. نتیجه جالب این مطالعه این است که با راه‌اندازی اتحادیه اقتصادی و پولی، مشاهده تثبیت‌های مالی انبساطی سخت‌تر شده و مخارج و سرمایه‌گذاری نقش غیرکینزی خود را از دست داده‌اند.

جورجیس^۲ و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای با عنوان، به بررسی اثرات کوتاه‌مدت و میان-مدت شوک‌های تثبیتی پیش‌بینی‌نشده در ۲۴ کشور عضو OECD، در دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۹۰ پرداختند. در این مطالعه که با روش تصویر موضعی^۳ انجام شده است، نتیجه تثبیت مالی، انقباض بوده است و در کشورهای با بدهی بالا و اقتصاد بسته، در شرایط رکودی و تنگناهای مالی، درجه تأثیر شدت بیشتری داشته است. همچنین آنها نتیجه می‌گیرند که تثبیت‌های مبتنی بر مخارج در کشورهای با بدهی بالای ۸۰ درصد منجر به شکست خود می‌شوند. از دیگر مطالعات در این حوزه می‌توان به وون هاجن و همکاران (۲۰۰۱)، همینگ و همکاران (۲۰۰۲)، جودیس^۴ و همکاران (۲۰۰۳)، دیلانگ و سامرز^۵ (۲۰۱۲)، آنجلو^۶ و همکاران (۲۰۱۳) اشاره کرد.

۲-۲. مطالعات داخلی

در رابطه با پیشینه پژوهش ذکر این نکته لازم است که با بررسی‌های صورت گرفته، مطالعات داخلی در خصوص تثبیت‌های مالی خیلی محدود بوده و فقط می‌توان در این حوزه به مطالعه کریمی پتانلار و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرد. در این مطالعه که در بازه زمانی ۱۳۶۳-۱۳۹۴ صورت گرفته است، نویسندگان با استفاده از روش اتورگرسیون برداری عامل افزوده، به بررسی اثر سیاست تثبیت مالی مبتنی بر شوک‌های درآمدی و هزینه‌ای، بر متغیرهای اقتصادکلان کشور ایران

^۱ Leal

^۲ Georgios

^۳ local projection method

^۴ Giudice

^۵ DeLong and Summers

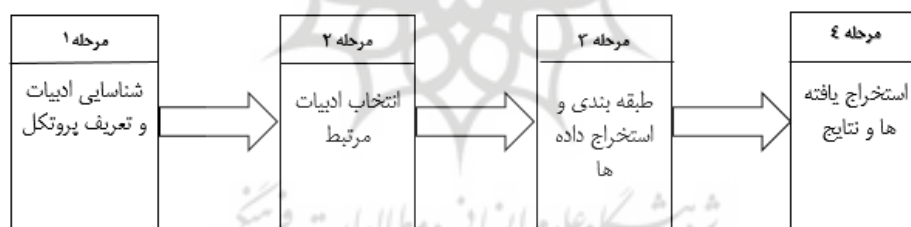
^۶ Agnello

پرداخته‌اند. آنها آثار ابزار سیاست تثبیت مالی بر متغیرهای اقتصاد کلان کشور را متفاوت تشخیص داده‌اند و از این جهت ارائه ابزار سیاستی یکسان جهت تأثیرگذاری مناسب بر تمام متغیرهای مورد نظر را دشوار می‌دانند.

۳- روش شناسی تحقیق

این مطالعه نوعی مرور سیستماتیک و فرا تحلیل برای تجزیه و تحلیل رابطه تثبیت مالی و رشد اقتصادی می‌باشد. متاآنالیز پس از مرور سیستماتیک مطالعات اولیه انجام می‌شود. مرور سیستماتیک ادبیات، یک روش تحقیق کیفی است که سعی می‌کند تمام شواهد تجربی را که با معیارهای از پیش تعیین شده مطابقت دارند جمع‌آوری و به سوالات تحقیق پاسخ دهد (هیگینز و گرین^۱، ۲۰۱۹). توجه به این نکته حائز اهمیت است که فرآیند بررسی سیستماتیک در به حداقل رساندن سوگیری کمک می‌کند و یک نمای کلی و جامع از مطالعات مرتبط ارائه می‌دهد و امکان شناسایی جهت‌های تحقیقاتی آتی را فراهم می‌کند (شمسیر^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

بررسی ادبیات سیستماتیک شامل چهار مرحله می‌باشد. این مراحل در شکل (۱) نشان داده شده است. در برخی از مطالعات این فرآیند به سه مرحله کاهش می‌یابد. مثلاً در مطالعه تایه^۳ و همکاران (۲۰۱۹) و نیز فولکرسن^۴ و همکاران (۲۰۱۸)، سه مرحله شامل: ۱- شناسایی ادبیات، ۲- غربالگری و نیز ۳- واجد شرایط بودن یا حذف بر اساس معیارهای از پیش تعیین شده، می‌باشد. ما در این تحقیق همانند الویده و همکاران از روش ۴ مرحله‌ای استفاده می‌کنیم.



شکل ۱. مراحل انجام متاآنالیز.

^۱ Higgins and Green

^۲ Shamseer

^۳ Taye

^۴ Folkersen

^۵ Oloyede

منبع: الوید و همکاران (۲۰۲۳)

در مرحله اول از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی آنلاین شناسایی ادبیات صورت می‌گیرد. علیرغم استفاده بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی از گوگل اسکولار در این مقاله از آن استفاده نشد؛ چرا که استخراج متون مورد نظر دشوار بوده و علاوه بر این استفاده از این پایگاه توسط بوکر و همکاران (۲۰۱۳) مورد تردید واقع شده است. همانند بوسمان^۲ و همکاران (۲۰۰۶) و بورنام^۳ (۲۰۰۶) جستجوی ادبیات جامع با استفاده از پایگاه داده اسکوپوس^۴ انجام شد. اسکوپوس بزرگترین پایگاه داده خلاصه از متون تحقیقات بررسی شده با بیش از ۲۲۰۰۰ عنوان از بیش از ۵۰۰۰ ناشر بین المللی است (پایگاه داده اسکوپوس، ۲۰۲۳). این پایگاه داده مزایایی نظیر سفارشی‌سازی جستجو و محدود کردن جستجو را با عملگرهای خاص نظیر "یا" و "و" دارد. لغات کلیدی برای جستجو شامل ترکیباتی نظیر، (تثبیت مالی و رشد اقتصادی)^۷، آثار کینزی و غیر کینزی^۸ "یا" تعدیل مالی "یا" رشد تولید ناخالص داخلی^۹ استفاده شد. تعداد مطالعات استخراج شده در این مرحله ۱۴۰۲ می‌باشد.

جدول ۲. قواعد مورد استفاده در فرا تحلیل

آیتم	توضیحات
دوره زمانی	۱۹۶۰-۲۰۲۳
عملگرهای بولین ^{۱۰}	AND OR
رشته جستجو	(Fiscal consolidation AND Economic growth) AND (Stabilization OR Keynesian OR Non-Keynesian effect OR fiscal adjustment OR GDP growth)
زبان	انگلیسی

^۱ Boeker^۲ Bosman et al^۳ Burnham^۴ Scopus^۵ OR^۶ And^۷ Fiscal consolidation AND Economic growth^۸ Keynesian OR Non-Keynesian effect^۹ GDP growth^{۱۰} Boolean Operations

دسترسی	مقالات با متن کامل و آنلاین
نوع انتشار	مجلات

منبع: الوید و همکاران (۲۰۲۳)

در مرحله دوم با توجه به اینکه نتایج حاصل از جستجوی اولیه ضرورتاً منطبق با هدف تحقیق نمی‌باشند، معیارهایی برای استخراج و غربال نتایج مرتبط در نظر گرفته شد. خلاصه این معیارها در جدول (۳) آورده شده است. جستجو به انتشارات زبان انگلیسی محدود شد و در مرحله سوم مقالات منتخب مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفتند و مجموعه نهایی مقالات استخراج شد.

جدول ۳. معیارهای در نظر گرفته شده برای استخراج مطالعات نهایی

معیار انتخاب	نتیجه	تعداد مطالعات با لحاظ معیارهای در نظر گرفته شده
معیار ۱: تأکید بر عنوان	در این مرحله معیارهای حذف بر اساس عناوین مقالات بود که نتایج را به ۸۶۱ کاهش داد.	۸۶۱
معیار ۲: تأکید بر خلاصه	در این مرحله معیارهای حذف مورد استفاده بر اساس چکیده مقاله است. این باعث کاهش نتایج ۱۵۶ شد.	۱۵۶
معیار ۳: تأکید بر مقالات	مقالاتی که در زمینه رابطه تثبیت و رشد متمرکز نیستند حذف شدند. این نتایج را به ۵۸ کاهش داد.	۵۸
معیار ۴: تأکید بر مقالات ژورنالی و ارائه رگرسیون‌های مرتبط.	حذف مقالات کنفرانسی و مقالاتی که رگرسیون‌های مرتبط با هدف مطالعه حاضر را نداشته و محاسبه ضریب تأثیر را با مشکل مواجه می‌کرد. این نتایج را به ۲۲ مطالعه کاهش داد.	۲۲

منبع: یافته‌های تحقیق

مرحله چهارم شامل انتخاب مقالات نهایی و استخراج یافته‌های آنها بود. فهرست مطالعات شناسایی شده نهایی جهت انجام فرآیند فراتحلیل در جدول شماره ۴ گزارش شده است. دوره زمانی انجام تحقیقات، کشورهای مورد مطالعه و یافته‌های کلیدی آنها در جدول مذکور ذکر شده است. در

قسمت یافته‌های کلیدی به آثار کینزی یا غیرکینزی تثبیت مالی اشاره شده است. منظور از اثرات کینزی تثبیت‌های مالی، اثر انقباضی و موافق سیکلی سیاست‌های مالی بکارگرفته شده جهت تثبیت مالی می‌باشد. اثرات غیرکینزی نیز به اثر انبساطی و مخالف سیکلی تثبیت‌های مالی اشاره دارد. جهت انجام متآنالیز، محاسبات و تجزیه و تحلیل یافته‌ها در این پژوهش، از نرم‌افزار استاتا ۱۷^۱ استفاده شده است.

جدول ۴: مطالعات مورد استفاده در فرا تحلیل

ردیف	مطالعه	دوره زمانی	نمونه	یافته‌های کلیدی	کانال اثرگذاری	نظریه زمینه‌ای
۱	جیاوازی و پاگانو (۱۹۹۵)	۱۹۷۰-۹۲	۱۹ کشور OECD	اثر غیرکینزی تثبیت مالی	اثر ثروت بر مصرف خصوصی با کاهش نرخ بهره	اثرات اعتبار و غیرخطی مصرف
۲	مک درمات و وسکات (۱۹۹۶)	۱۹۷۰-۹۵	۲۰ کشور OECD	اثرات ضعیف کینزی یا غیرکینزی تثبیت مالی	سرمایه‌گذاری با کاهش نرخ بهره	اثرات اعتبار تحمیلی با شرایط بدهی اولیه
۳	آل سینا و پروتی (۱۹۹۵) و b (۱۹۹۵)	۱۹۶۰-۹۴	۲۰ کشور OECD	اثر غیرکینزی تثبیت مالی	اثرات سمت عرضه با افزایش رقابت	یکپارچه‌سازی بازار کار و ادغام بودجه
۴	آل سینا و آردا دینا (۱۹۹۸)	۱۹۶۰-۹۴	تعداد زیادی از کشورهای OECD	اثر غیرکینزی تثبیت مالی	اثرات سمت عرضه و تقاضا (مصرف و سرمایه‌گذاری)	یکپارچه‌سازی بازار کار و ادغام بودجه و اثرات ثروت
۵	آل سینا و همکاران (۱۹۹۹)	۱۹۶۰-۹۵	۲۰ کشور OECD	اثر غیرکینزی تثبیت مالی	اثرات سمت عرضه / سرمایه‌گذاری	یکپارچه‌سازی بازار کار و ادغام بودجه و اثرات ثروت
۶	کاسلی و رینالدی ^۲ (۱۹۹۹)	۱۹۶۴-۹۰	-	در موقعیت‌های خاص اثر غیرکینزی تثبیت مالی	اثرات سمت تقاضا/مصرف	اثرات ثروت

^۱ STATA17^۲ Caselli and Rinaldi (1999)

۷	پروتی (۱۹۹۹)	۸	جیاوازی و همکاران (۱۹۹۹)	۹	وون هاجن و همکاران (۲۰۰۱)	۱۰	همینگ و همکاران (۲۰۰۲)	۱۱	جودیس و همکاران (۲۰۰۳)	۱۲	آردایا (۲۰۰۴)	۱۳	دیلاگ و سامرز فاقس و سامرز (۲۰۱۲)	۱۴	آل سینا و همکاران (۲۰۱۹)	۱۵	جورجیس و همکاران (۲۰۲۳)	۱۶	OECD کشور ۲۴
۱۹۶۵-۹۴	۱۹۷۰-۹۶	OECD کشور ۱۹	OECD کشور ۲۰	OECD کشور ۲۹	OECD کشور ۱۴	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷	OECD کشور ۱۷
اثر غیر کینزی تثبیت مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی	اثر غیر کینزی و قوی تر تثبیت مالی نسبت به انبساط مالی
مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت	مصرف از طریق اثرات ثروت
مالیات اختلافا و انتظارات	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف	اثرات اعتبار و غیر خطی مصرف

۱ Giudice

۲ Georgios

۱۷	آنجلو و همکاران (۲۰۱۳)	۱۹۷۸-۲۰۰۹	۱۷ کشور پیشرفته	اثرات کینزی و افزایش بیکاری	مصرف/سرمایه گذاری	بازار کار
۱۸	والدو و کانو (۲۰۲۳) ^۱	۲۰۰۰-۱۹	۴۰ کشور	اثرات کینزی	مصرف، سرمایه‌گذاری	تقاضا
۱۹	آفونسو و لیل ^۲ (۲۰۲۲)	۱۹۶۰-۲۰۱۷	۱۹ کشور اتحادیه اروپا	اثرات کینزی	مصرف خصوصی	تقاضا
۲۰	اریزالا و همکاران (۲۰۲۱)	۱۹۹۰-۲۰۱۶	کشورهای جنوب افریقا	اثرات کینزی	مصرف، سرمایه گذاری	تقاضا و عرضه
۲۱	گوران ^۳ (۲۰۰۲)	۱۹۷۰-۹۷	۱۹ کشور OECD	اثرات کینزی	مصرف خصوصی	تقاضا
۲۲	یابرو و سمده ^۴	۱۹۹۰-۲۰۱۶	۲۷ کشور آفریقایی	اثرات کینزی	مصرف، سرمایه‌گذاری	تقاضا

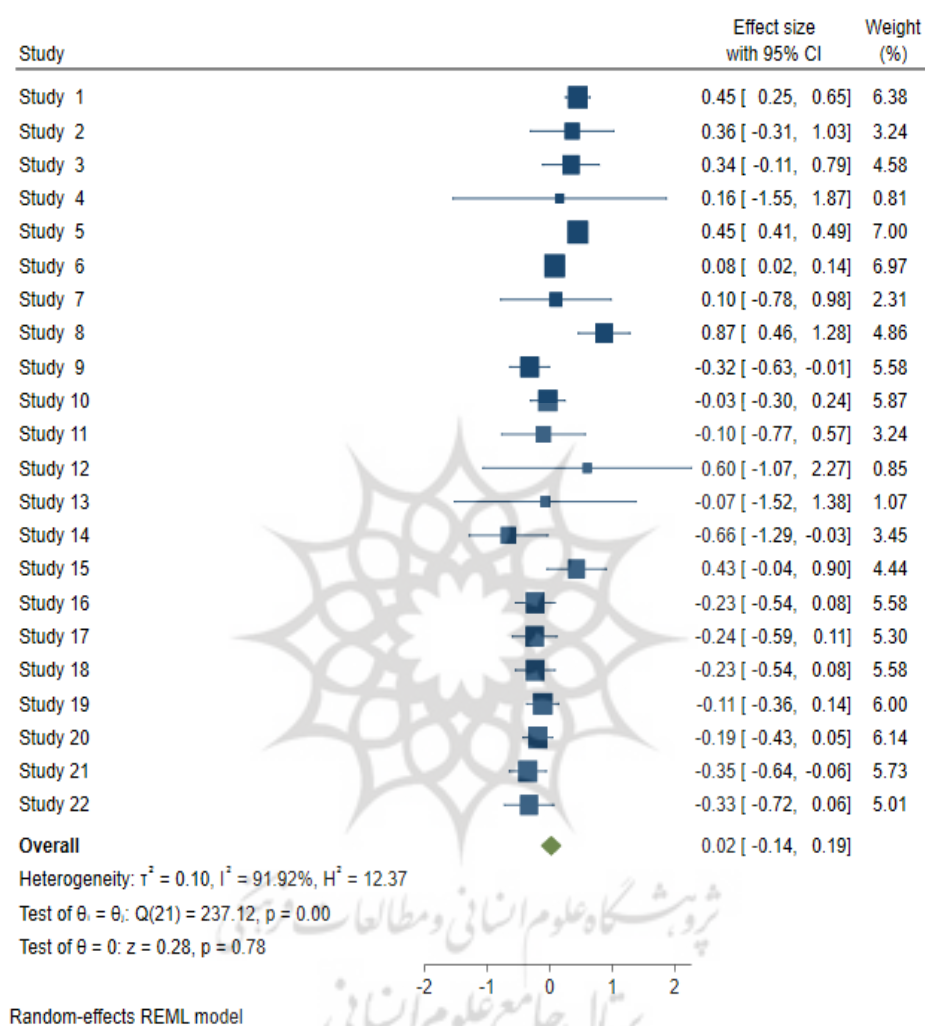
منبع: یافته‌های محقق

۴- یافته‌ها

بر اساس جستجوی انجام شده با استفاده از کلمات کلیدی و معیارهای شرح داده شده در بخش-های قبلی منجر به کاهش ۹۸/۵ درصدی مطالعات در نتایج خروجی شد و تنها ۱/۵ درصد از مطالعات که شامل ۲۲ مقاله بود برای انجام فرا تحلیل باقی ماند. در شکل (۲)، که به نمودار جنگلی مشهور است اطلاعات تک تک مطالعات و برآیند نهایی آنها و همچنین پراکندگی اندازه اثر بر مبنای فاصله اطمینان آورده شده است. مربعی که در وسط هر پاره خط می‌باشد میزان اندازه اثر و وزن آن در فرا تحلیل برای هر مدل است. خط افقی در دو طرف مربع بیانگر فاصله اطمینان ۹۵ درصد می-

^۱ Woldu and Kano^۲ Leal^۳ Arizala^۴ Gooran^۵ Yabr'e & Semedo

باشد. طول پاره خط کمتر در این نمودار فاصله اطمینان کمتر و دقت بیشتر را نشان می دهد (چودری و الهاست، ۲۰۱۰).



نمودار ۲. نمودار جنگلی توزیع اندازه اثر تثبیت مالی و رشد اقتصادی

منبع: یافته های مقاله

با توجه به نمودار (۲) و جدول (۵)، در ۲۲ مطالعه موجود، در ۱۰ مطالعه اثرات تثبیت مالی کینزی (مثبت) و ۱۲ مطالعه باقیمانده اثرات غیرکینزی (منفی) می‌باشند. متوسط ضریب تأثیر در دو گروه شامل آثار کینزی و غیرکینزی تثبیت مالی ۰/۰۲۳ می‌باشد که نشان از آثار کینزی سیاست‌های تثبیتی دارد، اگرچه مقدار آن ناچیز است. تفسیر دیگر مثبت بودن علامت ضریب تأثیر را در اینجا می‌توان به وزن بیشتر مطالعاتی نسبت داد که آثار سیاست‌های تثبیتی در آنها کینزی بوده است.

جدول ۵: اندازه اثر، فاصله اطمینان ۹۵ درصد و وزن نسبی هر مطالعه.

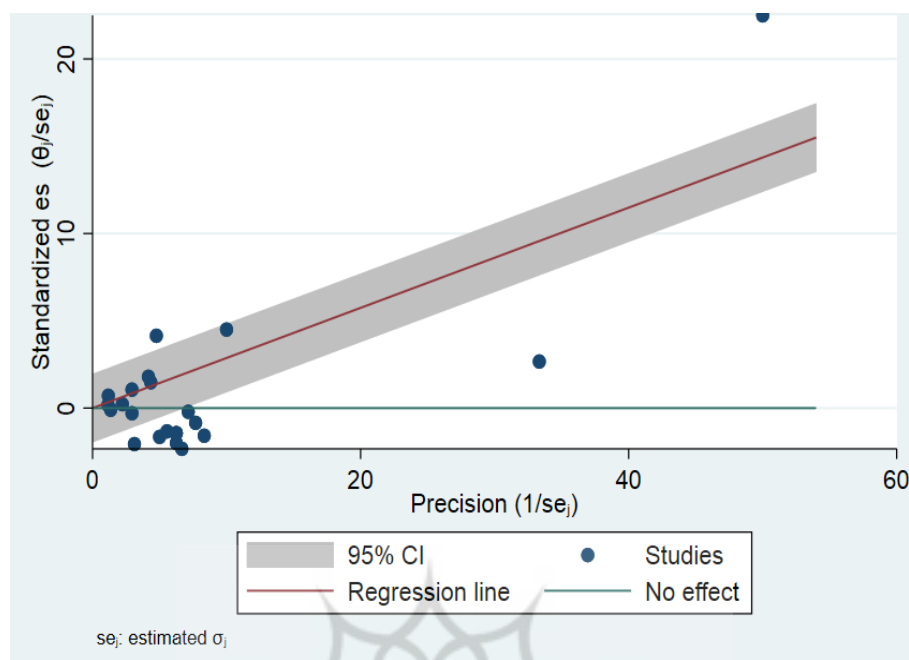
Effect-size label: Effect size				
Effect size: coeff				
Std. err.: serr				
Meta-analysis summary				
Random-effects model				
Method: REML				
Number of studies = 22				
Heterogeneity:				
tau2 = 0.0988				
I2 (%) = 91.92				
H2 = 12.37				
Study	Effect size	[95% conf. interval]		% weight
Study 1	0.450	0.254	0.646	6.38
Study 2	0.360	-0.306	1.026	3.24
Study 3	0.340	-0.111	0.791	4.58
Study 4	0.160	-1.545	1.865	0.81
Study 5	0.450	0.411	0.489	7.00
Study 6	0.080	0.021	0.139	6.97
Study 7	0.100	-0.782	0.982	2.31
Study 8	0.870	0.458	1.282	4.86
Study 9	-0.320	-0.634	-0.006	5.58
Study 10	-0.030	-0.304	0.244	5.87
Study 11	-0.100	-0.766	0.566	3.24
Study 12	0.600	-1.066	2.266	0.85
Study 13	-0.070	-1.520	1.380	1.07
Study 14	-0.660	-1.287	-0.033	3.45
Study 15	0.430	-0.040	0.900	4.44
Study 16	-0.230	-0.544	0.084	5.58
Study 17	-0.240	-0.593	0.113	5.30
Study 18	-0.230	-0.544	0.084	5.58
Study 19	-0.110	-0.365	0.145	6.00
Study 20	-0.190	-0.425	0.045	6.14
Study 21	-0.350	-0.644	-0.056	5.73
Study 22	-0.330	-0.722	0.062	5.01
theta	0.023	-0.140	0.187	
Test of theta = 0: z = 0.28				
Prob > z = 0.7780				
Test of homogeneity: Q = chi2(21) = 237.12				
Prob > Q = 0.0000				

منبع: یافته‌های تحقیق

در قسمت انتهایی جدول ۵، آزمون‌های مربوط به متوسط ضریب تأثیر و ناهمگنی آن آورده شده است.

آزمون متوسط ضریب تأثیر با $Z = 0/28$ معنی دار نشده است. به عبارت دیگر اگرچه متوسط ضریب تأثیر $0/023$ می‌باشد اما به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. یعنی، در این مطالعه نیز همانند ادبیات مطروحه در اقتصاد کلان نمی‌توان با قاطعیت راجع به آثار کینزی یا غیرکینزی تثبیت مالی اظهار نظر کرد. اما فرض همگنی ضرایب تأثیر در مطالعات مورد تحقیق رد شده است و تفاوت معنی‌دار (ناهمگنی) در ضرایب تأثیر مطالعات مختلف وجود دارد. در برخی مطالعات فرا تحلیل در این قسمت فرض صفر را عدم وجود ناهمگنی در ضرایب تأثیر بیان می‌کنند که رد آن دال بر وجود ناهمگنی در ضرایب تأثیر بین مطالعات مختلف می‌باشد. در ادامه نمودار گالبرایت آورده شده است. از این نمودار که در فرا تحلیل زیاد از آن استفاده می‌شود هدف نشان دادن ناهمگنی و پراکندگی نتایج و توضیح آنهاست. در قسمت خاکستری نمودار فاصله اطمینان آورده شده است و پراکندگی نتایج نیز قابل مشاهده می‌باشد. خط قرمز رنگ خط رگرسیون می‌باشد و خط سبز رنگ جایی را نشان می‌دهد که اندازه اثر صفر است و هیچ اندازه اثری وجود ندارد. همانطور که پیداست جهت در نمودار صعودی می‌باشد که حکایت از آثار کینزی سیاست‌های تثبیتی دارد.





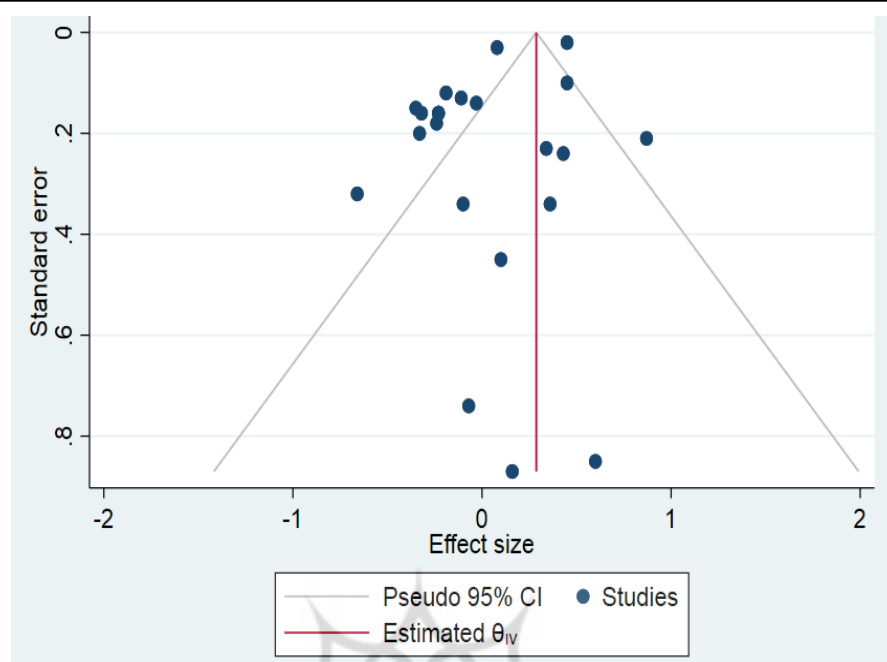
نمودار ۱. نمودار گالبرایت ناهمگنی و پراکندگی نتایج ضرایب تأثیر

منبع: یافته‌های تحقیق

۴-۱. سوگیری انتشار

سوگیری انتشار زمانی رخ می‌دهد که نتیجه یک آزمایش یا تحقیق بر تصمیم‌گیری درباره انتشار و چاپ آن تأثیر بگذارد (سونگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). مطالعاتی که اندازه اثرهای بزرگتر و معناداری را گزارش می‌کنند، احتمال چاپ بیشتری در مجلات دارند و این ممکن است موجب عدم انتشار مطالعات با اندازه اثرهای کوچک و بی‌معنی شود. از این‌رو، این مشکل می‌تواند نتایج مطالعات منفرد را دچار تورش و خطا کند. اگر تورش شدید باشد، ممکن است در نتایج تغییر ایجاد شود و از اعتبار فرا تحلیل بکاهد. برای بررسی این مسأله در فرا تحلیل از نمودار کیفی استفاده می‌شود. لازم به توضیح است همزمان آزمون تورش نیز در این قسمت قابل مشاهده می‌باشد. محور افقی اندازه اثر استاندارد شده و محور عمودی خطای معیار مربوط به اندازه اثر را نشان می‌دهد. هر یک از دایره‌های موجود در نمودار اندازه اثر هر مطالعه را نشان می‌دهد. خط وسط کیفی، مربوط به اندازه اثر متوسط متاآنالیز است.

^۱ Song



نمودار ۲. نمودار کیفی مربوط به متاآنالیز

منبع: یافته‌های تحقیق

در قسمت بزرگتر این نمودار اندازه اثر مطالعاتی با اندازه نمونه کم و خطای معیار بالا قرار دارند و در بخش کوچک کیف، اندازه اثر مطالعاتی با اندازه نمونه بزرگ و خطای معیار کوچکتر قرار می‌گیرد. در وسط کیف نیز مطالعات با اندازه اثر متوسط قرار دارد. تقارن اندازه اثر مطالعات در سمت چپ و راست کیف نشان دهنده عدم تورش انتشار و عدم تقارن به این معناست که فرا تحلیل دچار تورش ناشی از انتشار شده است. بررسی این نمودار بیانگر این موضوع است که پراکندگی اندازه اثرها نسبتاً متقارن است، اما برای بررسی دقیق تقارن و تورش انتشار از آزمون دیگری که آزمون اِگر^۱ نام دارد استفاده می‌شود. در جدول (۶) آزمون اِگر برای مطالعات کوچک آورده شده است. فرض صفر در این آزمون عدم سوگیری انتشار می‌باشد به این معنی که اندازه اثر مطالعات کوچک (منفرد) متقارن می‌باشد. در واقع اندازه اثر مطالعات کوچک آزمون شده است. با توجه به مقدار بالای پی-ویلیو^۲ فرض صفر را نمی‌توان رد کرد و به این صورت عدم سوگیری انتشار در مطالعات را

^۱ Egger^۲ p-value

نمی‌توان رد کرد و در واقع در مطالعات مورد نظر سوگیری انتشار وجود ندارد و می‌توان به نتایج آن اعتماد کرد.

جدول ۶. آزمون ایگر

Effect-size label: Effect size	
Effect size: coeff	
Std. err.: serr	
Regression-based Egger test for small-study effects	
Random-effects model	
Method: REML	
H0: beta1 = 0; no small-study effects	
beta1 =	-0.00
SE of beta1 =	0.598
z =	-0.01
Prob > z =	0.9951

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۴. تجزیه و تحلیل ناپارامتری برش و پر سوگیری انتشار^۱

این روش اولین بار توسط دوال و تودی^۲ (۲۰۰۰) مطرح شد. این روش یک روش تکراری است که سعی دارد در صورت عدم سوگیری انتشار اندازه اثر خلاصه را تخمین بزند. نحوه کار به این صورت است که در یک نمودار کیفی بطور مثال اگر در قسمت پایین و سمت راست تعدادی مطالعه وجود داشته باشد و تعداد کمتری در سمت مخالف وجود داشته باشد، مطالعات پرت در سمت راست و پایین قیف را حذف و اندازه اثر خالص را محاسبه می‌کنند. به لحاظ نظری نیز یک اندازه اثر خالص زمانی بی‌طرفانه می‌باشد که مطالعات پرت در محاسبه آن لحاظ نشده باشد.

مطابق تحلیل برش و پر سوگیری انتشار در این پژوهش ۲ مطالعه گم شده در سمت چپ نمودار کیفی وجود دارد که با لحاظ آنها ضریب تأثیر به شدت تغییر می‌یابد (جدول ۷ و نمودار ۳). اما در سمت راست نمودار مطالعه لحاظ نشده‌ای وجود نداشته و به همین دلیل اندازه ضریب تأثیر

^۱ Nonparametric trim-and-fill analysis of publication bias

^۲ Duval & Tweedie

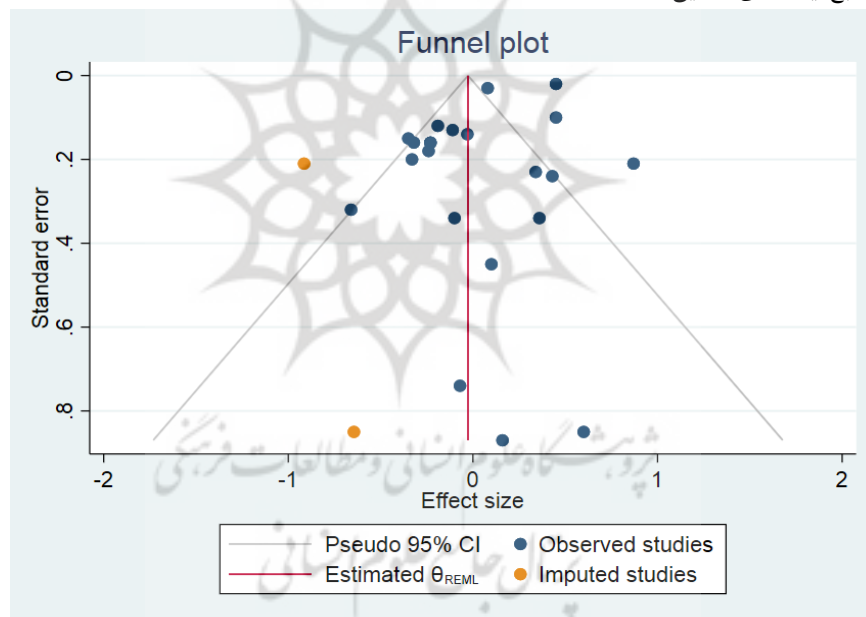
تغییری نداشته است. در جدول ۷ و نمودار ۴ این موضوع به تصویر کشیده شده است. همانطور که پیداست نمودار دقیقاً همان نمودار کیفی شماره ۲ می‌باشد.

جدول ۷. تجزیه و تحلیل ناپارامتری برش و پر سوگیری انتشار - سمت چپ

Effect-size label: Effect size	
Effect size: coeff	
Std. err.: serr	
Nonparametric trim-and-fill analysis of publication bias	
Linear estimator, imputing on the left	
Iteration	Number of studies = 24
Model: Random-effects	observed = 22
Method: REML	imputed = 2
Pooling	
Model: Random-effects	
Method: REML	

Studies	Effect size	[95% conf. interval]	
Observed	0.023	-0.140	0.187
Observed + Imputed	-0.027	-0.203	0.150

منبع: یافته‌های تحقیق



نمودار ۳. تجزیه و تحلیل ناپارامتری برش و پر سوگیری انتشار - سمت چپ

منبع؛ یافته‌های تحقیق

جدول ۸. تجزیه و تحلیل ناپارامتری برش و پر سوگیری انتشار - سمت چپ

Nonparametric trim-and-fill analysis of publication bias
Linear estimator, imputing on the right

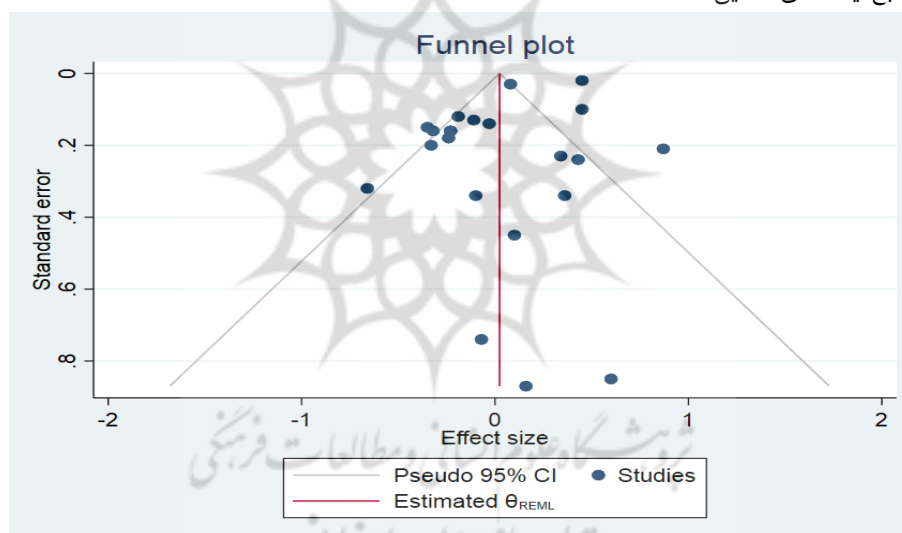
Iteration	Number of studies =	22
Model: Random-effects	observed =	22
Method: REML	imputed =	0

Pooling

Model: Random-effects
Method: REML

Studies	Effect size	[95% conf. interval]	
Observed	0.023	-0.140	0.187
Observed + Imputed	0.023	-0.140	0.187

منبع: یافته‌های تحقیق



نمودار ۴. تجزیه و تحلیل ناپارامتری برش و پر سوگیری انتشار - سمت راست

منبع: یافته‌های تحقیق

۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جریان متعارف اقتصاد، در ادوار تجاری سیاست‌های ضدادواری به کار گرفته می‌شود که در رکودها نتیجه آن رشد اقتصادی و خروج از رکود است. اما بحران مالی ۲۰۰۸، تجربه مبارزه همزمان با رکود و بحران را پیش روی کشورها قرار داد. برای مبارزه با بحران به وجود آمده، دو جریان فکری کینزی‌ها و کلاسیک‌ها به ارائه راهکار پرداختند. طرفداران کینز اولویت را به رکود می‌دادند و اذعان داشتند که رکود زمان مناسبی برای اقدامات تثبیتی نیست. نئوکلاسیک‌ها معتقد بودند انباشت بدهی‌ها با افزایش بازدهی اوراق قرضه و نیز کاهش اعتماد بخش خصوصی، در سرمایه‌گذاری اختلال ایجاد می‌کند، بنابراین دولت‌ها باید به سمت اقدامات تثبیتی بروند. در حوزه مطالعات تجربی نیز این اختلاف نظرها وجود دارد. بنابراین یک سوال محوری که شکل می‌گیرد این است که برآیند این اختلاف نظرها به سمت تأیید آثار کینزی تثبیت‌های مالی است یا به سمت رد آن.

یک روش مطالعه اینگونه مباحث در علوم اجتماعی و اقتصاد مرور سیستماتیک و فرا تحلیل می‌باشد. در این مقاله نیز با استفاده از طیف وسیعی از مقالات به بررسی ارتباط تثبیت مالی و رشد اقتصادی پرداخته شده است. برای این منظور پس از جستجو در پایگاه داده اسکوپوس و شناسایی مطالعات مربوط، اقدام به غربالگری بر اساس معیارهایی نظیر عنوان، چکیده، متن مقالات و کنفرانسی بودن یا نبودن کردیم. همه این اقدامات منجر به فیلتر ۹۸/۵ درصد از مطالعات جستجو شده در مرحله آغازین بوده است. و فقط از ۱۴۰۲ مطالعه ۱/۵ درصد که شامل ۲۲ مطالعه می‌شد به مرحله نهایی و انجام متآنالیز راه یافتند. در مرحله انجام فراتحلیل اندازه اثر متوسط حاصل از نتایج مطالعات منفرد ۰/۰۲۳ به دست آمد که بر اساس معیار کوهن شدت اثر آن کم می‌باشد. علامت مثبت آن حاکی از آثار کینزی سیاست‌های تثبیتی می‌باشد، اما با توجه $P=0.077$ $value=$ معنا دار نمی‌باشد. عدم معناداری ضریب تأثیر در فرا تحلیل صورت گرفته دور از انتظار نیست چرا که به نوعی انعکاس نتایج ضد و نقیض مطالعات صورت گرفته می‌باشد. از این نظر، یافته‌های مقاله اختلاف نظرها و نتایج متفاوت مطالعات قبلی را تأیید می‌کند

در خصوص اعتبار فرا تحلیل صورت گرفته نیز از نمودار جنگلی، نمودار کیفی و آزمون اگر استفاده شد. عدم سوگیری انتشار در نتیجه آزمون اگر، اعتبار فراتحلیل را نشان می‌دهد. اگرچه اندازه اثر ترکیبی بدست آمده اثرات کینزی تثبیت مالی را تأیید کرده است، اما در کاربردهای سیاستی باید جانب احتیاط را رعایت کرد، چرا که بر اساس نتایج، اندازه اثر به دست آمده به لحاظ آماری معنادار نیست.

علیرغم همه اختلاف نظرهایی که وجود دارد، می‌توان در خصوص اینکه این تثبیت‌ها بر پایه کاهش مخارج دولت یا افزایش مالیات باشند تحقیقات بیشتری انجام داد. مثلاً ممکن است در

اقتصادی تثبیت بر پایه کاهش مخارج دولت هزینه کمتری نسبت به افزایش مالیات داشته باشد. کما اینکه در بسیاری از مطالعات، موضوع محوری این است که ابزار سیاست‌گذاری در اقدامات تثبیتی مخارج دولت باشد یا مالیات. مثلاً جودیس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) یا آفونسو و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعات خود تثبیت مبتنی بر هزینه را پیشنهاد کرده‌اند و بیان می‌کنند احتمال موفقیت در تثبیت‌های مبتنی بر هزینه بسیار بیشتر است. در این موارد پیشنهاد می‌شود یک فراتحلیل صورت گیرد، چرا که می‌توان نقشه راه سیاست‌گذاری را با آن تعیین کرد.



منابع

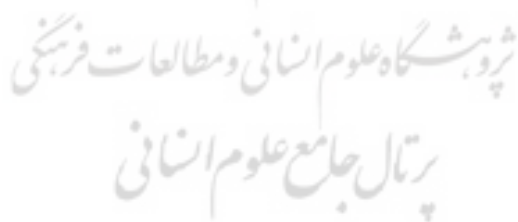
۱. کریمی پتانالار، سعید؛ جعفری صمیمی، احمد ولعل خضری، حمید (۱۹۳۷). اثرات سیاست تحکیم مالی بر متغیرهای مهم اقتصاد کلان ایران با تأکید بر رشد تولید: رویکرد FAVAR، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ۹، شماره ۳۳.
۲. سایه میری، علی، احمدی، کمال و امیدی، مهدی. (۱۳۹۹). تأثیر تورم بر رشد اقتصادی: رهیافت متاآنالیز. توسعه و سرمایه ۵(۲)، ۱۳۷-۱۵۱.
۳. شیرمهنجی، محمدباقر، مرادی زاده، مهدیه و نور احمدی، محمد جواد. (۱۴۰۰). متاآنالیز چندسطحی رابطه‌ی بین آزادسازی مالی و توزیع درآمد، تحقیقات اقتصادی ۵۶(۲)، ۵۰۷-۵۳۴.
4. Afonso, A. (2008). Ricardian fiscal regimes in the European Union. *Empirica*, 35(3), 313-334.
5. Afonso, A. (2010). Expansionary fiscal consolidations in Europe: new evidence. *Applied Economics Letters*, 17(2), 105-109.
6. Afonso, A., & Leal, F. S. (2022). Fiscal episodes in the Economic and Monetary Union: Elasticities and non-Keynesian effects. *International Journal of Finance & Economics*, 27(1), 571-593.
7. Afonso, A., Nickel, C., & Rother, P. C. (2006). Fiscal consolidations in the Central and Eastern European countries. *Review of World Economics*, 142, 402-421.
8. Alesina, A., & Ardagna, S. (2013). The design of fiscal adjustments. *Tax policy and the economy*, 27(1), 19-68.
9. Alesina, A., & Ardagna, S. (2010). Large changes in fiscal policy: taxes versus spending. *Tax policy and the economy*, 24(1), 35-68.
10. Alesina, A., Ardagna, s., R. Perotti, and F. Schiantarelli (2002). Fiscal policy, profits, and investment. *American Economic Review* 92(3), 571-589.
11. Alesina, A., Ardagna, S., & Trebbi, F. (2006). Who adjusts and when? The political economy of reforms. *IMF staff papers*, 53, 1-29.
12. Alesina, A., C. Favero, and F. Giavazzi (2019). *Austerity When It Works and When It Doesn't*. Princeton University Press.
13. Alesina, A., & Perotti, R. (1997). Fiscal adjustments in OECD countries: composition and macroeconomic effects. *Staff Papers*, 44(2), 210-248.
14. Alesina, A., & Perotti, R. (1997). Fiscal adjustments in OECD countries: composition and macroeconomic effects. *Staff Papers*, 44(2), 210-248.

15. Ardagna, S. (2004). Fiscal stabilizations: When do they work and why. *European Economic Review*, 48(5), 1047-1074.
16. Fatás, A., & Summers, L. H. (2018). The permanent effects of fiscal consolidations. *Journal of International Economics*, 112, 238-250.
17. Arizala, F., Gonzalez-Garcia, J., Tsangarides, C. G., & Yenice, M. (2021). The impact of fiscal consolidations on growth in sub-Saharan Africa. *Empirical Economics*, 61(1), 1–33.
18. Bertola, G. and A. Drazen (1983). Trigger points and budget cuts: Explaining the effects of fiscal austerity, *American Economic Review*, 80: 11-26.
19. Blanchard, O. J. (1990). Comments on Giavazzi and Pagano. NBER Chapters in NBER, *Macroeconomics Annual 1990*.
20. Bosman, J., Mourik, I. V., Rasch, M., Sieverts, E., & Verhoeff, H. (2006). Scopus reviewed and compared: The coverage and functionality of the citation database Scopus, including comparisons with Web of Science and Google Scholar.
21. Boeker, M., Vach, W., & Motschall, E. (2013). Google Scholar as replacement for systematic literature searches: good relative recall and precision are not enough. *BMC medical research methodology*, 13(1), 1-12.
22. Burger, A., & Zagler, M. (2008). US growth and budget consolidation in the 1990s: was there a non-Keynesian effect?. *International Economics and Economic Policy*, 5, 225-235.
23. Burnham, J. F. (2006). Scopus database: a review. *Biomedical digital libraries*, 3(1), 1-8.
24. Calcagno, A. (2012). Review of Keynesian Economics, *Inaugural Issue*, 24–36.
25. Caselli P. and R. Rinaldi (1999), La politica fiscale nei paesi dell'Unione Europea negli anni novanta, Banca d'Italia, Temi di discussion.
26. Cavallari, L., & Romano, S. (2017). Fiscal policy in Europe: The importance of making it predictable. *Economic Modelling*, 60, 81-97.
27. Choudhry, M. T., & Elhorst, J. P. (2010). Demographic transition and economic growth in China, India and Pakistan. *Economic Systems*, 34(3), 218-236.
28. Daveri, F., & Tabellini, G. (2000). Unemployment, growth and taxation in industrial countries. *Economic policy*, 15(30), 48-104.

29. DeLong, J. B., Summers, L. H., Feldstein, M., & Ramey, V. A. (2012). Fiscal policy in a depressed economy [with comments and discussion]. *Brookings Papers on Economic Activity*, 233-297.
30. Drazen, A. (2002). *Political economy in macroeconomics*. Princeton University Press.
31. Duval, S., & Tweedie, R. (2000). A nonparametric “trim and fill” method of accounting for publication bias in meta-analysis. *Journal of the american statistical association*, 95(449), 89-98.
32. Fatás, A., & Summers, L. H. (2018). The permanent effects of fiscal consolidations. *Journal of International Economics*, 112, 238-250.
33. Feldstein, M. (1982). Government deficits and aggregate demand. *Journal of monetary economics*, 9(1), 1-20.
34. De Carvalho, F. J. C. (2018). Arguments for austerity, old and new: the British Treasury in the 1920s and the Bundesfinanzministerium in the 2010s. *European Journal of Economics and Economic Policies*, 15(3), 262-288.
36. Folkersen, M. V., Fleming, C. M., & Hasan, S. (2018). The economic value of the deep sea: A systematic review and meta-analysis. *Marine Policy*, 94, 71-80.
37. Fragetta, M., & Tamborini, R. (2019). It's not austerity. Or is it? Assessing the effect of austerity on growth in the European Union, 2010-15. *International Review of Economics & Finance*, 62, 196-212.
38. Georgantas, G., Kasselaki, M., & Tagkalakis, A. (2023). The effects of fiscal consolidation in OECD countries. *Economic Modelling*, 118, 106099.
39. Giavazzi, F., & Pagano, M. (1990). Can severe fiscal contractions be expansionary? Tales of two small European countries. *NBER macroeconomics annual*, 5, 75-111.
40. Giavazzi, F., Jappelli, T., & Pagano, M. (2000). Searching for non-linear effects of fiscal policy: evidence from industrial and developing countries. *European economic review*, 44(7), 1259-1289.
41. Giudice, G., & Turrini, A. (2004). Non-Keynesian fiscal consolidation in the EU? Ex post evidence and ex ante analysis. t Veld, Jan, *Non-Keynesian Fiscal Consolidation in the EU*.
42. Hjelm, G. (2004). When are Fiscal Constructions Successful?: Lessons for Countries Within and Outside the EMU. *Konjunkturinstitutet*.

43. Hemming, R., Mahfouz, S., & Schimmelpfennig, A. (2002). Fiscal policy and economic activity during recessions in advanced economies.
44. Haines-Young, R., & Potschin-Young, M. (2018). Revision of the common international classification for ecosystem services (CICES V5. 1): a policy brief. *One Ecosystem*, 3, e27108.
45. Hommes, C., Lustenhouwer, J., & Mavromatis, K. (2018). Fiscal consolidations and heterogeneous expectations. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 87, 173-205.
46. <https://www.scopus.com>.
47. McDermott, C. J., & Wescott, R. F. (1996). An empirical analysis of fiscal adjustments. *Staff Papers*, 43(4), 725-753.
48. Oloyede, A., Fark, N., Noma, N., & Tebep, E. (2022). Measuring the Impact of the Digital Economy in Developing Countries: A Systematic Review and Meta-Analysis. Available at SSRN 4106167.
49. Perotti, R. (1999). Fiscal policy in good times and bad. *The Quarterly Journal of Economics*, 114(4), 1399-1436.
50. Perotti, R. (2014). Defense government spending is contractionary, civilian government spending is expansionary (No. w20179). National Bureau of Economic Research.
51. Seidman, Laurence (2001), Reviving Fiscal Policy. *Challenge*, 44(3): 17-42.
52. Seidman, L. S. (2015). Automatic fiscal policies to combat recessions. Routledge.
53. Seidman, L. (2010). Reducing Future Deficits While Stimulating Today's Economy. *The Economists' Voice*, 7(3).
54. Seidman, L. (2011). Great Depression II: Why It Could Happen and How to Prevent It. *Challenge*, 54(1), 32-53.
55. Moher, D., Shamseer, L., Clarke, M., Ghersi, D., Liberati, A., Petticrew, M., ... & Prisma-P Group. (2015). Preferred reporting items for systematic review and meta-analysis protocols (PRISMA-P) 2015 statement. *Systematic reviews*, 4, 1-9.
56. Song, F., Parekh, S., Hooper, L., Loke, Y. K., Ryder, J., Sutton, A. J., ... & Harvey, I. (2010). Dissemination and publication of research findings: an updated review of related biases. *Health technology assessment*, 14(8), 1-220.

57. Spyraakis, V., & Kotsios, S. (2021). Public debt dynamics: the interaction with national income and fiscal policy. *Journal of Economic Structures*, 10(1), 8.
58. Sutherland, A. (1997). Fiscal crises and aggregate demand: can high public debt reverse the effects of fiscal policy?. *Journal of public economics*, 65(2), 147-162.
59. Taye, F. A., Folkersen, M. V., Fleming, C. M., Buckwell, A., Mackey, B., Diwakar, K. C., ... & Saint Ange, C. (2021). The economic values of global forest ecosystem services: A meta-analysis. *Ecological Economics*, 189, 107145.
60. Von Hagen, J., Hallett, A. H., & Strauch, R. (2001). Budgetary consolidation in EMU (Vol. 148). Directorate-General for Economic and Financial Affairs, Commission of the European Communities.
61. Wiese, R., Jong-A-Pin, R., & de Haan, J. (2018). Can successful fiscal adjustments only be achieved by spending cuts?. *European Journal of Political Economy*, 54, 145-166.
62. Yabré, T., & Semedo, G. (2021). Political stability and fiscal consolidation in sub-Saharan African countries. *The World Economy*, 44(4), 1077-1109.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی